



نمادشناسی تطبیقی نقوش معماری گونه هنر تمدن ایلام (شوش) و هنر تمدن جیرفت

نویسنده اول: نادیا معقولی

استادیار دانشگاه غیرانتفاعی طبری بابل

n.maghuly@gmail.com

نویسنده: دوم آیسودا زراسوندی

کارشناسی ارشد پژوهش هنر

aysudazarasvandi@yahoo.com

چکیده

نقوش تصویری تمدن ایلام و تمدن جیرفت سرشار از نمادهاست. نمادهای عناصر تصویری علاوه بر بیان مفاهیمی ژرف که کشف آن‌ها به شناخت بیشتر بشر از خود مدد می‌رساند، اغلب نشان دهنده فرهنگ، آیین، حماسه‌ها، عقاید و اسطوره‌ها هستند. آثار هنری در طول قرون متمادی نمایشگر فرهنگ، باورها و عقاید هر قوم بوده و با تاریخ هنر اقوام پیوندی ناگسستنی دارد. بخش اعظم باورهای کهن هر تمدنی را خدایان باستان، اسطوره‌ها و افسانه‌های آن تمدن شکل می‌دهند. بنابراین مطالعه میان نقوش یک دوران با دوره‌ای دیگر می‌تواند پرده از بسیاری اشتراکات میان دو دوره تاریخی بردارد. از سویی ماهیت نمادین نقوش عناصر تصویری از اهمیت زیادی در دوره‌های مختلف برخوردار است. هدف از پژوهش حاضر، یافتن نمادشناسی نقوش معماری گونه مشترک دو تمدن ایلام و جیرفت، تطبیق نمادهای معماری گونه مشترک هنر جیرفت و هنر ایلام و یافتن شباهت‌ها و اختلافهای نمادهای عناصر تصویری دو تمدن مذکور می‌باشد. با توجه به موضوع پژوهش در مراحل تحقیق نمادهای معماری گونه هر دوره به طور جداگانه نمادشناسی شده و در نهایت به تطبیق این نماد میان دو دوره با یکدیگر پرداخته شده است. در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و با ابزار مشاهده، کتابخانه و سایتهای اینترنتی گردآوری داده‌ها صورت یافته است. در پایان پس از جمع‌آوری و مطالعه و تطبیق نمادهای هندسی چنین نتیجه گرفته شده است که به نظر می‌رسد در بررسی تطبیقی نمادشناسی نقوش معماری گونه هنر تمدن ایلام (شوش) و هنر تمدن جیرفت به دلیل آثار به جای مانده در هنر تمدن ایلام (شوش)، نمادهای معماری گونه در آثار این منطقه قابل لمس‌تر از آثار یافت شده از تمدن جیرفت می‌باشند، همچنین به نظر می‌رسد تزیینات بکار رفته در آثار معماری گونه در تمدن جیرفت بیشتر و انتزاعی‌تر می‌باشند.

کلید واژه‌ها: نمادشناسی، تمدن ایلام، شوش، تمدن جیرفت، نمادهای نقوش معماری گونه



مقدمه:

در پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی نمادشناسی نمادهای نقوش معماری گونه میان دو هنر تمدن کهن، ایلام و جیرفت پرداخته خواهد شد. چرا که حضور نقوش معماری گونه بر روی آثار کهن، به ویژه تمدن ایلام (شوش) نشانگر اهمیت آن برای مردم آن دوران است و نشان دادن ارتباط با تمدن آثار نو یافته جیرفت از جنبه های گوناگون حائز اهمیت است. شناخت نقوش معماری گونه این آثار می تواند ما را در فهم و دلیل کاربرد این نقوش در ایران باستان یاری رساند.

پیشینه تحقیق:

مسئله اصلی در این پژوهش، شباهتهای مابین نمادهای معماری گونه دو تمدن جیرفت و ایلام در کدامیک از این دو منطقه بیشتر یافت شده است؟ و تفاوتهای ما بین نمادهای معماری گونه موجود در دو تمدن، در کدامیک از دو بخش مضمون و فرم صورت پذیرفته است؟ و این تغییراتی رخ داده مابین عناصر نمادین بین این دو تمدن از چه عواملی منتج شده است؟

فرضیات پژوهش بر این اساس می باشد، چنین به نظر می رسد که در میان نمادهای معماری گونه دو تمدن جیرفت و ایلام (شوش) بیشترین شباهت میان نقوشی که ملهم از ماه، خورشید و ستارگانی که کاربردشان به نظر می رسد روی اشیاء به عنوان طلسم بوده، می باشد و همچنین به نظر می رسد شباهتهایی که در عناصر نمادین این دو منطقه مشاهده می شود دستخوش تغییراتی چند می باشد و یکی از دلایل آن هم می تواند این باشد که آثار هر منطقه هویت خود را از منظر جغرافیای زیستی بومی به دست آورده است و به نظر می رسد این شباهت ها به دلیل مضامین مشترک و وجود روابط تجاری بین دو منطقه بوده باشد.

اهمیت پژوهش حاضر با استفاده از تطبیق نمادهای هندسی به کار رفته در آثار دو دوره، می تواند یکی از منابعی برای پژوهشگرانی که در جست و جوی ارتباط سرزمین ایلام و سرزمین جیرفت هستند، باشد.

در پیشینه تحقیق مشاهده شد، در پژوهش حسنعلی عرب و کوثر شریفی نسب «ردپای معابد و آرامگاهها را در تمام استقرارگاههای ایلامی می بینیم. دیدگاههای مذهبی ایلامیان نسبت به زندگی باعث شد تا علاوه بر اصول ابتدایی معماری که از همسایگان دریافت می کردند، نوآوری هایی نیز داشته باشند. زیگورات یا معبد اصلی که تقلیدی از بین النهرین بود به گونه ای ایلامی ظهور کرد و طرحی نو داشت. معبد، قلب هر شهر را تشکیل می دهد و مدیریتی که در ساختار سازه های معبد بکار رفته بسیار عالی است». (عرب و شریفی نسب، ۱۳۸۸)

روش تحقیق:

روش تحقیق این پژوهش، بررسی تطبیقی با روش نماد شناسی عناصر تصویری می تواند راهگشای بسیار از مجعولات در ذهن باشد. در این پژوهش ابتدا به اهمیت نمادهای هندسی و مضامین آنها و ارتباط آنها در دو تمدن ایلام و جیرفت در روزگار باستان اشاره خواهد شد، سپس به روش توصیفی- تحلیلی به نمادهای معماری گونه مشخص شده و مشترک در آثار هنر ایلام و هنر جیرفت پرداخته خواهد شد. جمع آوری اطلاعات در این پژوهش به شیوه کتابخانه ای و میدانی است. در این پژوهش سعی بر این است که نمادهای هندسی عناصر تصویری آثار هنر دو منطقه جیرفت و شوش (هنر ایلام) از لحاظ محتوای نمادین آن ها و رابطه میان نقوش مشترک دو منطقه بررسی شود.



تمدن ایلام:

«دشت ایلام که ایرانیان از سده های میانی نام خوزستان بر آن گذاشته اند مساحتی در حدود ۴۲۰۰۰ کیلومتر مربع دارد و در روزگار باستان دشت ایلام انبار واقعی میوه و غله بود. شاهان ساسانی (۲۲۴-۶۳۸ م.) با به کار گرفتن اسیران جنگی رومی به ساخت سدها مبادرت ورزیدند و به این واسطه شبکه ی آبیاری را گسترش دادند». (هینتس، ۱۳۷۱)

«یکی از نمونه های برجسته ی بناهای مذهبی که به دست عیلامیان ساخته شده زیگورات مشهور «چغازنبیل» است که در دشت آزادگان خوزستان و ۳۰ کیلومتری شهر شوش قرار دارد. شهر دور اونتاش (چغازنبیل) در حدود سال ۱۲۵۰ پیش از میلاد و زمان حکومت اونتاشگالفرمانروای خردمند عیلام و به عنوان نیایشگاهی برای اینشوشیناک خدای عیلامی ها ساخته شد. این بنای بزرگ عیلامی به وسیله «رُمان گیرشمن» کشف و مورد حفاری قرار گرفت». (مشتاق، ۱۳۸۷)

محوطه باستانی شوش:

شهر شوش از قدیمی ترین شهرهاست که به مادر شهرهای جهان شهرت یافته است. «دشت ایلام که ایرانیان از سده های میانی نام خوزستان بر آن گذاشته اند مساحتی در حدود ۴۲۰۰۰ کیلومتر مربع دارد و در روزگار باستان دشت ایلام انبار واقعی میوه و غله بود. شاهان ساسانی (۲۲۴-۶۳۸ م.) با به کار گرفتن اسیران جنگی رومی به ساخت سدها مبادرت ورزیدند و به این واسطه شبکه ی آبیاری را گسترش دادند». (هینتس، ۱۳۷۱)

هنر ایلام، «در زمان فرمانروایی شاه اونتاش - ناپیریشا در قرن سیزدهم قبل از میلاد به نقطه شکوه و بلوغ بی نظیری رسید. هنر این دوره مورد توجه است اول به دلیل اینکه این عصر دوران اوج مهارت ریخته گری برنز بود و دوم به سبب وجود طرح ها و دستاوردهای معماری معتبر در محل زیگورات که توسط اونتاش - ناپیریشا در چغازنبیل بنا شده است». (هینتس، ۱۳۸۷)

تمدن جیرفت:

حفاری های که در سال ۱۳۷۹ آغاز کشفیات تمدن جیرفت بود. در این سال «شماری از ساکنان حوزه هلیل رود و به طور اخص جیرفت، در منطقه جنوب شرقی ایران واقع در استان کرمان، به حفاریات غیرقانونی در گورستان های متعلق به هزاره سوم پیش از میلاد (آستانه ورود به شهرنشینی و آغاز تمدن است) پرداخته، و آثار باستانی ارزشمندی را که تعداد آن قابل تخمین نیست، به تاراج بردند. اطلاعات ما در محدوده ی اشیای مکشوفه در حفاریات باستان شناسی، حاکی از آن است که این اشیاء شامل دست ساخته هایی از فلز، سفال، سنگ، کتیبه های گلی و معماری بوده که در بین آنها، آثار سنگ کلریتی از لحاظ کمیت و نیز کیفیت نقوش، بسیار شاخص و دارای نقوشی چون انسان، حیوان، موجودات ترکیبی، گیاهان، بنای معماری و... هستند». (مجیدزاده، ۱۳۸۲)

درباره گذشته باستانی این تمدن اطلاعات فراوانی دردست نیست اما پژوهشها چنین نشان می دهند که «تمدن بزرگ آراتا یا آرْت در شرق سومر قرار داشته است. این تمدن قاعدتا نقطه اتصال تمدن های عیلام و بین النهرین در غرب و تمدن موهنجودارو و هاراپا در شرق بوده است. انطباق این تمدن بر سرزمین کارامانیا و حوزه هلیل رود چندان دور از ذهن نمی نماید. آثار باستانی شناسایی شده در کرمان فوق العاده و متنوع هستند. تا کنون بیش از ۶۰۰ تپه، محوطه، گورستان و جایگاه باستانی در این ناحیه کشف شده که بیانگر اهمیت و ارزش منطقه دردنیای باستان است. این مناطق بی نظیر مانند تل ابلیس، تپه یحی، شهداد، شهر بابک، جیرفت شامل مناطق حاشیه هلیل رود، دلفارد، جبال بارز، اسفندقه، کهنوج و... هستند». (صرفی، ۱۳۸۳)



نمادشناسی:

هنوز اهمیت نماد در زندگی بشر ناشناخته است. بیان نمادین از آغاز شکل‌گیری زبان، جهان خود را آفریده‌است. این جهان بدون نماد قابل تصور نیست زیرا آن‌ها همه‌جا وجود دارند. به عبارتی هر جا که تصویری در ارتباط مستقیم با مفهومی قرار گیرد، نماد هم آن‌جاست. در طول تاریخ معنای برخی از نمادها تغییر کرده و برخی بدون تغییر ادامه پیدا می‌کنند. نماد از نظر کاسیرر این گونه بیان می‌شود: «هر گونه فراشد شناخت انسانی کارکرد و منش نمادین دارد. ابژه شناسایی یه ادراک سوژه از نماد، یا موقعیت نمادین، یا به بیان کاسیرر «شکل نمادین» وابسته است». (احمدی، ۱۳۹۰)

نمادهای معماری گونه

نقوش معماری در هنر ایلام (شوش):

بر روی سفال‌های شوش نقوش انتزاعی و نمادین بسیاری کار شده است. که با تکیه بر اسناد مکتوب تاریخی، منابع و پژوهش‌های موجود در رابطه با سفال‌های شوش به بررسی عناصر تصویری نمادین نقش بسته بر روی آنها پرداخته خواهد شد. این نقوش بیشتر روی سفال‌های یافت شده از شوش دیده می‌شود. همچنین بر روی نقوش معماری گونه‌ای که بر روی پیراهن شهبانو ناپیراسو، نقش بسته اند و صحنه نیایش دیده می‌شود. از محوطه باستانی شوش آثار بسیار ارزشمندی یافت شده است، که در ادامه به تعدادی از آن‌ها پرداخته خواهد شد. هنر ایلام، در زمان فرمانروایی شاه اونتاش - نیپیریشا در قرن سیزدهم قبل از میلاد به جایگاه شکوه و بلوغ بی‌نظیری رسید. «هنر این دوره مورد توجه اول به دلیل اینکه این عصر دوران اوج مهارت ریخته‌گری برنز بود و دوم به سبب وجود طرح‌ها و دستاوردهای معماری معتبر در محل زیگورات که توسط اونتاش - نیپیریشا در چغازنبیل بنا شده است». (هینتس، ۱۳۸۷) که این هنر در بخش‌های مختلف مهرها، کاشی‌ها و نقش برجسته و... خود را نشان می‌دهد. مهرها و نقش برجسته‌های زیادی، از این دوره در منطقه شوش بدست آمده است. نقش برجسته می‌تواند عنصری میان هنر معماری و نقاشی و بخشی از یک بنا و ساختمان باشد.

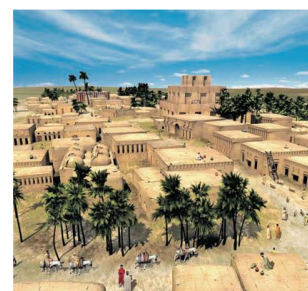
«ردپای معابد و آرامگاه‌ها را در تمام استقرارگاه‌های ایلامی می‌بینیم. دیدگاه‌های مذهبی ایلامیان نسبت به زندگی باعث شد تا علاوه بر اصول ابتدایی معماری که از همسایگان دریافت می‌کردند، نوآوری‌هایی نیز داشته باشند. زیگورات یا معبد اصلی که تقلیدی از بین‌النهرین بود به گونه‌ای ایلامی ظهور کرد و طرحی نو داشت. معبد، قلب هر شهر را تشکیل می‌دهد و مدیریتی که در ساختار سازه‌های معبد بکار رفته بسیار عالی است». (عرب و شریفی نسب، ۱۳۸۸)

آثار معماری ایلامی نیز نمایانگر تکامل فن معماری در تمدن‌های خاورمیانه است که مصالح مهم آن را خشت و آجر تشکیل می‌دهند. بزرگ‌ترین اثر معماری این تمدن است. این بنا بزرگترین بنای خشتی جهان و کهن‌ترین بنای ایرانی «زیگورات چغازنبیل» محسوب می‌شود. در این معبد همچنین برای اولین بار در معماری ایران با تکیه بر فنون پیشرفته لعاب از کاشی برای تزئین استفاده شده است. علاوه بر آن در قسمت در ورودی معبد ردیف میله‌های باریک شیشه‌ای مات به کار رفته که شاید بتوان آن را اولین کاربرد شیشه در تاریخ معماری جهان به حساب آورد. درهای چوبی این بنا علاوه بر معرق شیشه با نقوش زرین و سیمین به روش خاتم کاری عاج به کار رفته است. (تسلیمی، ۱۳۹۱)

به جز نقش برجسته‌ها، هنر دیگری که در دوره ایلامیان رایج است کاشیکاری است. یکی از نمونه‌های برجسته ی بناهای مذهبی که به دست عیلامیان ساخته شده زیگورات مشهور «چغازنبیل» است که در دشت آزادگان خوزستان و ۳۰ کیلومتری شهر شوش قرار دارد. «استفاده از کاشی‌های لعاب دار در ایلام، همان گونه که با حفاریات چغازنبیل نشان داده شده است در



زمان اونتاشگال آغاز می گردد. کاشی ها به رنگ های آبی، سبز یا سفید هستند و با ترکیب دو رنگ از رنگ های فوق اما نه چند رنگ هستند و نه نقوشی را نمایش می دهند. مطمئنا کاشی هایی که چنین ویژگی هایی را دارند پیشرفت جدیدتری را نشان می دهند. قطعاتی از این نوع کاشی با میخ های گل پخته لعاب دار که نام سلطان شیلهاک - اینشوشیناک بر آنها نوشته شده بود (پیرامون ۱۱۵۱-۱۱۶۵ پیش از میلاد) و همچنین کاشی های لعاب دار به رنگ های سبز و زرد که نام شوتروک - نهونته (پیرامون ۱۱۷۱ - ۱۲۰۷ پیش از میلاد) را در برداشتند از شوش بدست آمدند. این مدرک نشان می دهد که در قرن دوازدهم پیش از میلاد پیشرفت بیشتری در تزیین کاشی های لعاب دار وجود داشته است. بنابراین ما یک کاشی را با نقش یک دیو پرنده پا که بر روی دو Griffins ایستاده و احتمالا دو Griffins دیگر را به دست هایش گرفته است به این دوران تاریخ گذاری می کنیم». (پرادا، ۱۳۸۶)



تصویر ۱، چشم اندازی از شهر شوش، هزاره چهارم پ.م (رضائیان، ۱۳۸۶)

نقوش معماری در هنر تمدن جیرفت:

عناصر تصویری نقش شده بر روی آثار تمدن جیرفت، آکنده از نمادهای انتزاعی هستند. این آثار دارای تزیینات معماری گونه هستند. آثار کلریتی که از این منطقه از کشفیات بدست آمده است دارای نقوش متنوعی می باشد، که نقوش معماری گونه شامل این نقوش می باشد.

نمادهای معماری گونه در هنر تمدن ایلام (شوش)



تصویر ۲، سفال شوش، ۳۵۰۰ قبل از میلاد (کامبخش فرد، ۱۳۷۹)

در توصیف تصویر ۲، که سفالی از منطقه شوش است، از جمله ویژگی های این نقش برقراری ارتباطی است که بین نقوش و بخش های آن حاصل آمده است. ریتم و حرکت پله ای نقش ها و جایگزینی مناسب آن ها در فضا های پر و خالی، ترکیبی پویا و متنوع به اثر بخشیده، به طوری که بیننده را گام به گام به مرکز اثر نزدیک می گرداند. تکرار خطوط لوزی در قطرهای اصلی، این توجه را تقویت می کند و بر زیبایی و تنوع نقش می افزاید. در تحلیل تصویر ۲، می توان گفت که با استفاده از ترسیم دقیق اشکال هندسی، که گویی از علم ریاضی گونه ای برخوردارند، با توجه به نقوش زیگزاگی که نشان دهنده آب می باشد، که باروری و برکت را نشان می دهد. شاید می توان گفت، هنرمند ایلامی قصد نقش کردن زمین، را جهت خواستن حاصلخیزی و برکت بیشتر بوده است.



تصویر ۳، پیکره شهبانو ناپیراسو، همسر اونتاشگال پادشاه ایلامی در هنر تمدن ایلام ماخذ موزه لوور

در توصیف تصویر ۳، پیکره شهبانو ناپیراسو، همسر اونتاش گال دیده می شود. پیکره به نحو زیبایی ساخته و نقوش به کار رفته بر روی آن پردازش شده است این پیکره یکی از مهمترین یافته های محوطه باستانی شوش بوده است. «قسمت بالای پیکره ناپیراسو را می توان به صورت یک قطعه راست گوشه توصیف کرد. دامن که قسمت پایین بدن او را می پوشاند، به شکل زنگ بلندی است که انحنا ی بسیار کمی دارد. طرحی از دایره های کوچک که هر یک نقطه ای را در میان دارد قسمت بالای لباس را می پوشاند. ریشه های بلندی که قسمت بالای دامن را در پشت تزیین می کنند در جلو ادامه یافته اند تا از هر دو سو طرح وسیعی را در چارچوب قرار دهند. این طرح با ردیفهایی پر شده است که از نوارهای یک در میان زیگزاگ و هاشور و محدود با خطوط زیگزاگ به وجود آمده اند... همه این خطوط موازی یا عمودی هستند، مگر ریشه ها با موج نرم که در پایین دامن قرار دارند. از آنجایی که سر پیکره شکسته است، دستها توجه بیننده را حتی بیش از حالتی که شاید در موقعیت اصلی داشته است جلب می نماید. حتی در حالت اصلی این دستها به انگشتان باریک و بلندی که تنها یکی از آنها با یک حلقه مزین شده است، و ژست کامل آنها، باید آرامش و لطافت معینی را به پیکره می بخشیده است.» (پرادا، ۱۳۸۶) در تحلیل تصویر ۳، می توان گفت نقوشی که بر روی لباس پیکره مشاهده می شود، بیشتر نقوش هندسی می باشند، که بر دامن ملکه نشانده شده اند. شامل مثلث و مربع هایی که با ترتیب خاص بافت زیبایی را نمایان کرده اند. جواهرات ملکه که چهار النگو در دست راست دارد و احتمالا هم چهار النگو در دست چپ داشته است، و یک حلقه در انگشت دست چپ. در قسمت بالای دامن خطوط زیگزاگ، هاشوری، عمودی و افقی دیده به نظر می رسد نقوش هندسی بر روی جامه شهبانو، حاکی از نقشمایه های معماری باشد، که شباهت به نقشمایه های معماری در تمدن جیرفت دارند.



تصویر ۴، صحنه برآمدن خورشید در هنر تمدن ایلام، ماخذ موزه هنر مقدم تهران

در توصیف تصویر ۴، که از شاخه های درختان آشکار است، سکو، پله و کوزه به چشم می خورد. در میان همه این عناصر دو مرد برهنه که یکی از آن ها نیمه نشسته می بشد گویی بر روی دست مد دیگ آب می ریزد. گویی مراسم آیینی خاصی باشد. این اثر که به زبان اکدی « طلوع خورشید» می باشد، ممکن است این مراسم در بآمدن خورشید انجام می شده است. در تحلیل تصویر ۴، به نظر می رسد صحنه آیینی را در هنگام برآمدن خورشید در حال انجام آن می باشند. ممکن است مردی که به حالت کامل نشسته کاهنی باشد و بر روی دستان مدی که از لحاظ جایگاه از او در مقام بالاتری قرار دارد، آب می ریزد. بطور احتمال برهنگی جزئی از اعمال آیینی برنامه مذهبی شان بوده است. این اثر ماکتی از صحنه بر آمدن خورشید در هنر تمدن ایلام می باشد، به طوریکه بیننده با دیدن آن، تا حدودی می تواند روند اجرای مراسم را لمس کند.



تصویر ۵، بنای معماری بزرگ هنر تمدن ایلام در شوش، ماخذ نگارنده

در توصیف تصویر ۵، روش بنای «زیگورات»، که خاص ایلام می‌باشد، این بنا، عبارت از برجی پله‌دار بوده که از پایین به بالا، از حجم آن کاسته می‌شده و در طبقه بالا معبد این شوشیناک خدای خدایان قرار داشته‌اند و جایگاه خدایان نامیده می‌شده، و در طبقات دیگر خدایان قرار داشته‌اند. این بنا مجموعه‌ای از هنر معماری نقاشی و لعابکاری زمان است، که اوج هنر ایلام را نشان می‌دهد. در تحلیل تصویر ۵، میتوان گفت این بنا پرستشگاهی برای خدایان و الهگان تمدن ایلام بوده است، به نظر می‌رسد نقوش پلکانی گویی عروج انسان را نشان می‌دهند. انسان با احترام و پرستش همچون پله‌ها، به صورت طبقه بندی مقام‌های خدایان، رفته رفته به بندگی خدای خدایان می‌رسیده است.



تصویر ۶، قطعه ای از یک کاشی لعابدار در هنر تمدن ایلام، (مجیدزاده، ۱۳۸۶)

در توصیف تصویر ۶، کاشی جزئی از تزیینات معماری یک ساختمان می‌باشد. نقشی که نواری را به مربع‌هایی تقسیم شده و درون آن‌ها صلیبی به چشم می‌خورد. در تحلیل تصویر ۶، به نظر می‌رسد صلیب نمادی از خورشید می‌باشد. جالب توجه آنکه گریفین یا شیر - دال برای خدای ماه مقدس بود، این احتمال را می‌توان داد که گریفین‌ها برای خدایان خورشید و ماه با اهمیت بوده‌اند و چون آنها جانوران ترکیبی بودند و دارای خصلت‌های دو گانه دو حیوان متفاوت، خورشید و ماه هر دو با هم این جانوران ترکیبی را حمایت می‌کرده‌اند.



نمادهای هندسی در هنر تمدن جیرفت



تصویر ۷، نقشمایه پلکانی شکل در نقوش معماری در تمدن جیرفت، مآخذ موزه باستانشناسی جیرفت

در توصیف تصویر ۷، که در بالای شیء نواری که اشکالی که به ضربدر شباهت دارد دیده می شود، در سمت راست شیء، نقش پلکانی که بالای اولین پله شکلی شبیه به ۷ دارد، و در میان شکل پلکانی مربعی به چشم می خورد، در زیر شکل نقوش مستطیل کشیده، به صورت برجسته کار شده است، در سمت چپ شیء، مربعی که ضلع بالای شکل، قوس دارد، و با سه خط محیطی نقش شده است، در میان آن نقش پلکانی دیده می شود، سطح شیء، نقاطی با خطوط هاشوری کار شده است. در تحلیل تصویر ۷، میتوان بیان کرد، نقش دیگری که در نقشمایه های معماری دیده می شود، شبیه پلکان است که در معابد بسیاری از ادیان تمدنهای دیگر به کار رفته است. معبد، مکانی که معمولا با یکی از اشکال اصلی هندسی، مربع جهت پرستش خدا یا خدایان می باشد. نقش پلکانی در دل یک دروازه بزرگ جای گرفته است، کنار پلکان ها نقوش موجی شکل مشاهده می شود، نقوش موجی شکل ارتباط با آب دارد، بالای اثر نواری وجود دارد به نظر می رسد که در آن ستاره های چهار پر بصورت ضربدر یک نوار را در این محیط مربعی تشکیل داده اند، نماد «ستاره، این اعتقاد، که ستارگان و سیارات، خدایان مادینه و نرینه هستند، در بسیاری از ادیان مشترک بود... نقشمایه های ستاره ای، جنبه ای از بخش عمده ای از هنر باستانی محسوب می شد و از نمادها و نشانه های خدایان بی شمار می رفت». (هال، ۱۳۸۰) و همچنین «ستون، یکی از قدیمیترین گونه های یادمانهای پرستشی و دارای اصل و منشاء پیش - تاریخی است. آن را از آن روی می ساختند که آسمان را نگاه دارد که در غیر این صورت، فرو می افتاد و یشر را نابود می ساخت. بخش فوقانی ستون را بعدها جایگاه خدای آسمان می دانستند و ستون را برای نگهداری او برپا می داشتند». (همان) از دیگر عناصر معماری می توان به ستون ها اشاره کرد، در این اثر ستون هایی در وسط نقشمایه های موج قرار دارد. در این اثر بر بالای ستون ها، به نظر می رسد یک ساختمان پلکانی با دری کوچک قرار دارد، بر بالای آخرین سکوی دو خط در جهت مخالف یکدیگر که المانی را نشان می دهد نصب شده است، با توجه به اینکه در بسیاری از تمدن ها ساختمان معابد پلکانی بوده است، احتمالا این نقش، معبدی را تداعی می کند، و آخرین سکوی آن روبه سوی آسمان دارد، و آن المان در جایی قرار دارد که مکانش نزدیکترین جا به آسمان است. بنابراین این مکان می تواند محلی برای پرستش خدایی باشد که ارتباطی با آب دارد، زیرا خطوط موجی شکل در کنار ستون ها قرار دارد. شاید می توان گفت، نقوش موجی شکل، در نقشمایه معماری می تواند نشان دهنده آب و خورشید باشد، و جهت این دو عاملی که سبب حاصلخیزی و باروری و برکت می شوند این مکان ها که شباهت به معبد یا پرستشگاه می باشد ساخته شده بودند.



تصویر ۸، نقش معماری گونه ظرف سنگی تمدن جیرفت، مآخذ (پیران، ۱۳۹۲)



در توصیف تصویر ۸، مربع هایی با تفاوت کوچکی و بزرگی خودنمایی میکند، خطوط هاشوری، زیگزاگی و خطوطی که به صورت ردیف ردیف که جهت آنها به عکس ردیف بعدی می باشد، مشاهده می شود. و نقوش در سه ردیف کنار هم نشسته اند، به صورت تقارن دو مربع کوچک و مربع در بزرگ در ردیف بالایی قرار دارد. مربع های های کوچک در وسط اثر و مربع های بزرگ در سمت چپ و راست اثر مشاهده می شود. خطوط زیگزاگی، نقوش مشبکی و هاشوری هم وجود دارد. که این خطوط هاشوری، بافت حصیر را القا می کند. در مرکز اثر بافت آجری و حصیری در کنار هم آورده شده است. در ردیف دوم با همان نقوش ردیف بالایی روبرو می شویم با این تفاوت که در ترکیب اثر، سه مربع، در ردیف بالا، یک مربع بزرگ در وسط ردیف دوم و مربع کوچکتر در سمت چپ و راست، مربع های کوچک و به همراه ترکیب های هندسی مشاهده می شود. در ردیف سوم ۶ در بزرگ به چشم می خورد و در مجموع دوازده در دیده می شود. در تحلیل تصویر ۸، می توان گفت، نقشمایه معماری را نشان می دهد با درها و پنجره های کوچک و بزرگ با بالکن هایی که دیوار آن ها از حصیر می باشد، خطوط زیگزاگی به نشانه آب و باروی در کنار آن ها، پنجره هایی که متشکل از ترکیب هندسی بسیار زیبا می باشد، بطور احتمال جهت وارد شدن نور به درون ساختمان یا این ترکیب ساخته شده باشند. شاید نیای درهای ارسی در خانه های سنتی ایران باشند. خطوط زیگزاگ به زیر ساختمان، به چشم می خورد، به نظر می رسد ساختمان جهت پرستش یکی از دو عنصر زندگی بخش آب و خورشید بوده باشد.



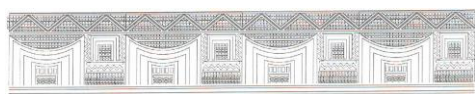
شکل ۹، نقش معماری گونه بر روی اثری از تمدن جیرفت، ماخذ (پیران، ۱۳۹۲)

در توصیف شکل ۹، نقوش تزئینی معماری گونه ای که به کار رفته در اثر، نقش هندسی مربع، که از نمادهای انتزاعی می باشد، و جزء نقوش هندسی با فرم بسته به شمار می رود. ترکیب هندسی، که متشکل از مثلث هایی در کنار هم می باشند، و از اشکال هندسی مربع، مثلث و لوزی تشکیل شده است. در بعضی از این ترکیب های هندسی مشابه، در مرکز آن صلیب دیده می شود، قطره های مربع، به فرم اصلی مشبک بیشتر کمک کرده است. در قسمت پایین ظرف، مستطیل های عمود، نقش شده است، در میان آن ها مربعی به چشم می خورد.

در تحلیل در شکل ۹، نقش هندسی مربع، که از نمادهای انتزاعی می باشد، و جزء نقوش هندسی با فرم بسته به شمار می رود. «مربع، نماد ثبات و پایداری است و به طور کلی معنای تکیه گاه و ایستایی را می رساند... در نقشمایه های معماری حکاکی شده بر روی ظروف استوانه ای از جنس سنگ صابونی، نماد انتزاعی و هندسی مربعی دیده می شود. قسمت دروازه ورودی این نقشمایه ها، مربعی شکل است. در کنار نقش مربع منقوش در نقشمایه های معماری، نقوش دیگری نیز وجود دارند که آکنده از نمادهای تجریدی می باشند». (آقاعباسی، ۱۳۸۹) ترکیب های هندسی، که متشکل از مثلث هایی در کنار هم می باشند، به نظر می رسد که نور از آنها عبور می کرده، یعنی از خارج ساختمان به داخل ساختمان. این پنجره های شبکه نما را در معماری ایرانی به وضوح قابل مشاهده است. فرم اصلی این نقش مربع می باشد. با نگاهی دقیق تر، یادآور شمس نیز می باشد. احتمالاً این نقشمایه وظیفه عبور نور را داشته است. و از اشکال هندسی مربع، مثلث و لوزی تشکیل شده است. در مرکز آن صلیب دیده می شود و همانطور ذکر شد صلیب، نماد خورشید می باشد. قطره های مربع، به فرم اصلی مشبک بیشتر کمک کرده است. به نظر می رسد این شکل از علم ریاضی برخوردار می باشد. به نظر می رسد این ساختمان، برای خدای خورشید یا



الهه خورشید ساخته شده باشد. ردیف صلیب در بالای دروازه و پنجره ها، و وجود صلیب در وسط پنجره ها، اشاره به خورشید دارد.



تصویر ۱۰، نقش معماری گونه بر روی اثری از تمدن جیرفت، ماخذ (پیران، ۱۳۹۲)

در توصیف تصویر ۱۰، بر روی اثر سنگی نقوش مارپیچ، آجری، نقوش هندسی مربع و مثلث دیده می شود.

در تحلیل تصویر ۱۰، می توان گفت، بنای معماری در حال نمایش دادن می باشد، که این بنا شامل، در بزرگی به نظر می رسد که جهت ورود و خروج به بنا بوده است، و پنجره های بزرگی که گویی صرفا جهت نما در ساختمان هستند، زیرا که با نقوش آجری پوشانده شده اند، نقوش مارپیچی که نشان دهنده آب می باشند، پنجره ها را احاطه کرده اند. در بالا نقش مثلث، استوار بودن بنا را کامل تر می کند. شاید این بنا پرستشگاهی بوده، یا در جهت پرستش آب ساخته شده است.

جدول شماره ۱، تحلیل نمادهای هندسی در هنر تمدن ایلام (شوش) و هنر تمدن جیرفت

نماد	معنای نمادین در ایلام	تمدن ایلام (شوش)	تمدن جیرفت	معنای نمادین در جیرفت
۱	نقشمایه معماری: پلکان	نقوش پلکانی، بصورت انتزاعی، پلان.	 تصویر (۲)	 تصویر (۷)
۲	بنای معبد گونه	معبد، عبادتگاه ایلامیان، زیگورات خاص ایلامیان است.	 تصویر (۵)	 تصویر (۸)

ماخذ: نگارنده



بررسی تطبیقی نمادهای هندسی در هنر تمدن ایلام (شوش) و هنر تمدن جیرفت

در تطبیق نمادهای عناصر تصویری نقوش معماری گونه، هنر تمدن ایلام، محدوده شوش که شامل هفت تپه و چغازنبیل نیز می شود و هنر تمدن جیرفت مشخص گردید که وجه اشتراک این دو تمدن در نمادهای معماری گونه همچون عناصر معماری ستون، پنجره، پله، نقوش آجری، پلان دیده میشود. بطور مثال، نقوش هندسی بر روی جامه شهبانو ناپیراسو، حاکی از نقشمایه های معماری باشد، که شباهت به نقشمایه های معماری در تمدن جیرفت دارند.

به نظر می رسد که نمادهای معماری هندسی دو تمدن از لحاظ انتزاعی به یکدیگر نزدیکی هایی دارند. در نمادهای معماری گونه، پژوهشگر بیشتر با باورها، اعتقادات، آیین ها، طلسم های این دو تمدن روبرو می گردد و شاید می توان گفت نیای بسیاری از این گونه نقوش از تمدن جیرفت سرچشمه گرفته باشد و قدر مسلم این است که میان هنر تمدن ایلام (شوش) و هنر تمدن جیرفت می توان ارتباط آشکارتری پیدا کرد.

جدول شماره ۲، جدول تطبیق مشابهت های نمادهای عناصر تصویری در نقوش هندسی هنر تمدن ایلام (شوش) و هنر تمدن جیرفت

نماد	هنر تمدن ایلام (شوش)	تمدن ایلام (شوش)	هنر تمدن جیرفت	تمدن جیرفت
۱	نماد خورشید و حاصلخیزی. خطوط زیگزاگی و موجی: نماد آب. توجه به عناصر حیات: خورشید و آب، نمادها از باور به طبیعت و الهه ها و ستارگان، با نگاهی به انتزاع	 تصویر (۲)	نماد خورشید، حاصلخیزی و باروری. خطوط زیگزاگی و موجی: نماد آب. نقش کردن باورهای خود، آب، خورشید و ستارگان. پیاده کردن نمادها به صورت انتزاعی.	 تصویر (۸)
۲	ساخت بنا جهت پرستش خدایان	 تصویر (۵)	واقع نما. به دلیل همراهی خورشید و آب، شاید پرستشگاه هایی برای الهه های خورشید و آب باشند.	 تصویر (۱۱)
۳	نقش مارپیچ، به نظر می رسد برگرفته از مار و مار خدای آبهای زیر زمینی می باشد. پس احتمال می رود نقش مارپیچ نشان دهنده آب باشد.	 تصویر (۶)	بر روی اثر سنگی نقش مارپیچ که نشان دهنده آب می باشد، دیده می شود، به نظر می رسد این بنا در ارتباط با آب، یا خدای آب و یا در ارتباط با پرستش آب بوده باشد.	 تصویر (۹)
۴	یکی از مصالح زیگورات چغازنبیل آجر بوده است.	 تصویر (۵)	بافت آجری را در اثر سنگی دیده می شود. تصویر (۲)	 تصویر (۱۰)
۵	در این اثر مهمترین عنصر معماری پله دیده می شود.	 تصویر (۲)	این اثر بصورت پلان واقع نما می باشد و با جزییات بیشتر یک بنا، همچون ستون، پله، سکو، در.	 تصویر (۱۱)



ماخذ: نگارنده

جدول شماره ۳، جدول تطبیق تفاوت‌ها نمادهای عناصر تصویری در نقوش هندسی هنر تمدن ایلام (شوش) و هنر تمدن جیرفت

معانی نمادین در هنر تمدن جیرفت	اثر تمدن جیرفت	اثر تمدن ایلام	معانی نمادین در هنر تمدن ایلام	نماد	
بصورت پلان و بصورت احتمال، این گونه نقوش بناهایی در جهت پستش خدای یا خدایان بوده است	 تصویر (۱۱)	 تصویر (۵)	قابل لمس می باشد	پرستشگاه	۱
مشاهده نمی شود	—	 تصویر (۴)	در حال اجرای مراسم نیایش می باشند	ماکت	۲

ماخذ: نگارنده

نتیجه گیری

با بررسی نمادهای عناصر تصویری موجود بر آثار تمدن ایلام (شوش) و تمدن جیرفت، دریافت شد که، هنرمندان باستان، در کنار مفاهیم و باورها و نقش کردن نمادهای تصویری، پا در قلمرو تجسم و تلفیق با طبیعت گذاشته اند. آنها با توجه به بافت های موجود در طبیعت، نقش پردازی انتزاعی بر روی بسیاری از آثار سفالین، سنگی و ... می کنند. در تطبیق نمادهای عناصر تصویری نقوش معماری گونه، هنر تمدن ایلام، محدوده شوش که شامل هفت تپه و چغازنبیل نیز می شود و هنر تمدن جیرفت مشخص گردید که وجه اشتراک این دو تمدن در نمادهای معماری گونه همچون عناصر معماری ستون، پنجره، پله، نقوش آجری، پلان دیده میشود. بطور مثال، نقوش هندسی بر روی جامه شهبانو ناپیراسو، حاکی از نقشمایه های معماری باشد، که شباهت به نقشمایه های معماری در تمدن جیرفت دارند. همچنین در آثار سنگی تمدن جیرفت احتمال می رود که اولین پنجره های مشبک شاید نمادی از خورشید باشند، زیرا که پنجه عنصری جهت ورود و خروج نور به داخل ساختمان می شود و به نظر می رسد در ارتباط با خورشید، و نشان دهنده اهمیت خورشید در آن تمدن می باشد. همچنین نقشمایه معماری در تمدن جیرفت نشان می دهد با درها و پنجره های کوچک و بزرگ با بالکن هایی که دیوار آن ها از حصیر می باشد، خطوط زیگزاگی به نشانه آب و باروی در کنار آن ها، پنجره هایی که متشکل از ترکیب هندسی بسیار زیبا می باشد، بطور احتمال جهت وارد شدن نور به درون ساختمان یا این ترکیب ساخته شده باشند. شاید نیای درهای ارسی در خانه های سنتی ایران باشند. خطوط زیگزاگ به زیر ساختمان، به چشم می خورد، به نظر می رسد ساختمان جهت پرستش یکی از دو عنصر زندگی بخش آب و خورشید بوده باشد. اینگونه آثار سنگی جیرفت که گویی از نظم ریاضی گونه ای برخوردارند. به نظر می رسد در نمادهای معماری گونه، بصورت تطبیقی به دو تمدن ایلام (شوش) و تمدن جیرفت نگاهی نشده است. می توان گفت پژوهش حاضر جزء اولین پژوهش هایی است که در زمینه تطبیق نمادشناسی هنر تمدن ایلام منطقه شوش و هنر تمدن نو یافته جیرفت کار شده است. به دلیل آثار به جای مانده در هنر تمدن ایلام (شوش)، نمادهای معماری گونه در آثار این منطقه قابل



لمس تر از آثار یافت شده از تمدن جیرفت می باشند، همچنین به نظر می رسد تزیینات بکار رفته در آثار معماری گونه در تمدن جیرفت بیشتر و انتزاعی تر می باشند.

اگر فرض را بر این گذاشته شود که سرزمین اسرار آمیز آرت، تمدن کهن جیرفت باشد، شاید بتوان این فرضیه را داد که شوش بر سر راه ارتباطی جیرفت و میان رودان می باشد. به نظر می رسد از جهاتی در نقشمایه های هندسی هر دو تمدن از ویژگی های یکسانی برخوردار بودند، ویژگی هایی که هنرمندان عهد باستان به طور یکسان در نقش کردن از آنان استفاده می کردند. در تجزیه و تحلیل آثار دوره ایلام دریافت شد، که مردمان ایلام با توجه به باورها، مراسمات مذهبی و آیین، «هنر نمادین» خلق کردند.

به نظر می رسد با توجه به این که آثار تمدن جیرفت که بیشتر آثار سنگی دربرگرفته، به مناطق دیگر باستانی همچون میان رودان صادر می شده است. این مسیر صادراتی بیشتر از طریق شوش به میان رودان بوده است. در نهایت بطور خلاصه به مشابهت ها و تفاوت های به دست آمده از دو دوره می توان اشاره کرد.

مشابهت ها

نقوش معماری: ۱. نقش پله ۲. نقش ستون ۳. نقش پنجره ۴. بنای چند طبقه ۵. پرستشگاهها ۶. پلان ۷. بافت آجر

تفاوت ها

نقوش معماری: ۱. بناهای معماری را در هنر جیرفت به جای نمانده است، و آنچه که از معماری جیرفت دیده میشود، از نقوش حک شده بر روی نمونه های سنگی این دوران می باشد که نشانده اینست که در آن تمدن، از برج و بارو و یا حتی مکانی مقدس جهت پرستش خورشید، ماه و آب بوده است. در تمدن ایلام، هم اکنون بقی مانده بنای چغازنبیل و نقوش برجسته ای که حاکی از نمای شهر شوش باستان می باشد و همچنین نقوش معماری گونه انتزاعی که بر روی آثار تمدن ایلام (شوش) دیده میشود. ۲. ماکت بنا: در هنر تمدن جیرفت مشاهده نمی شود.

منابع

- آقا عباسی، زهرا، ۱۳۸۹، نقشمایه های نو یافته حوزه هلیل رود، کرمان، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- احمدی، بابک، ۱۳۹۰. حقیقت و زیبایی؛ درس های فلسفه هنر، تهران، مرکز.
- پرادا، ایدت، ۱۳۸۶، هنر ایران باستان (تمدن های پیش از اسلام)، تهران، دانشگاه تهران.
- پیران، صدیقه، ۱۳۹۲، آثار گنجینه جیرفت، تهران، پازینه.
- تسلیمی، نصرالله، (۱۳۹۲)، تاریخ هنر ایران، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی.
- رضائیان، فرزین، ۱۳۸۶، هفت رخ فرخ ایران، تهران، شرکت طلوع ابتکارات تصویری.
- مشتاق، خلیل، ۱۳۸۷، هنر و معماری ایران، تهران، آزاد اندیشان با همکاری کارآفرینان.
- هینتس، والتر، ۱۳۷۱. دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروز نیا، تهران، علمی و فرهنگی.
- صرفی، محمدرضا، ۱۳۸۳، چکیده مقالات همایش شناخت و معرفی تمدن حوزه هلیل رود، کرمان، مرکز کرمان شناسی، ۱۱۴-۱۱۲.



عرب، حسنعلی و شریفی نسب، کوثر، ۱۳۸۸، مقاله دین سالاری؛ کانون اندیشه و تمدن در ایلام باستان، مجله پژوهش نامه تاریخ بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد، سال سوم، شماره چهاردهم.
کامبخش فرد، سیف الله، ۱۳۸۰، آثار تاریخی ایران، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۲، تاریخ و تمدن ایلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
هال، جیمز، ۱۳۸۰، فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، فرهنگ معاصر.

Semiotic of comparative study of architectural designs symbols of Elam (Susa) and Jirof Civilization art

The first author¹ nadia maghuly

The second author² aysuda zarasvandi

Abstract

The visual motifs of Elam and Jiroft Civilization are rich in symbols. The symbols of the visual elements in addition of expression of the deep concepts which recognition them help human to acquire more knowledge about himself, often reflects the culture, rituals, epics, myths and beliefs. So study of the motifs of a period with other period can reveal a lot have in common with other courses take between two historical periods. On the other hand symbolic nature of motives of visual elements have great importance in different periods. The aim of this study is to identify common geometrical symbols in two civilizations of Elam and Jiroft, adjustment of common architectural designs symbols of art of Elam and Jiroft and detecting of similarities and differences in symbols of visual elements of two mentioned civilizations. According to subject of this study architectural designs symbols has been semiotic in each course separately and eventually adjustments of this symbol has been discussed together between the two periods. In this research for data collection the descriptive and analytical research methodology and observation, library research and internet sites have been used. In the end, after collecting and studying and adaptation of architectural designs symbols has been concluded that It seems in Because extant works of art Elamite (Susa), architectural symbol in the work area more tangible works are found in the Jiroft civilization, It also seems to decorations used in architectural works in Jiroft civilization are more and more abstract.

Keyword:

Semiotics, Elamite, Susa, Jiroft Civilization, architectural designs symbols

¹ Assistant Professor of profit University of Babol Tabari.

² MA of ART Research.